

ضرورتها و ظرفیت‌های گردشگری اسلامی و رویکردهای آن (از منظر الگوهای فرهنگی اسلام و فقه اسلامی)

سیروس شفقی: استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
عباس حسنونند^۱: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی توریسم، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
محسن مصلحی: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

به گواهی تاریخ، انسان از بدو پیدایش، همواره در پی معاش و تأمین نیازهای زندگی، مسکن و محل اقامت دائمی خود را ترک می‌کرده و برای مبادله‌ی کالا و دست ساخته‌های خویش با سایر نیازمندی‌های زندگی، راهی شهرها و کشورهای دیگر می‌شده است. در جهان امروز نیز که جهان ارتباطات نام گرفته، صنعت توریسم همچنان جایگاه ویژه خود را داراست؛ به گونه‌ای که بهره‌برداری صحیح و سالم از این صنعت در کشور اسلامی ایران، باید با الهام از فرامین اسلامی و ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی آن همراه باشد و نخستین شرط موفقیت آن در این نهفته است که زمینه‌های جذب توریست را فراهم آوریم و در چارچوب قوانین مذهبی و آداب و رسوم ملی، این صنعت مهم و سودآور را فعال و پویا سازیم. با این‌وجود به منظور نائل شدن به هدف ایجاد توسعه اقتصادی هماهنگ با حفاظت از محیط زیست و نیز رشد و تقارن ناشی از بهره‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نضج گرفته از توریسم، می‌بایست رفتارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه مقصد مد نظر قرار گیرد و سیاست‌های جذب گردشگر متناسب با الگوهای فرهنگی آن سامان پذیرد.

هدف از پژوهش حاضر، بررسی حدود گردشگری اسلامی از منظر الگوهای فرهنگی اسلام و فقه اسلامی و نیز ارائه راهبردهایی جهت گسترش صنعت توریسم بر پایه الگوهای اسلامی می‌باشد. روش تحقیق توصیفی- تحلیلی بوده و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای- اسنادی می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که گردشگری و سیر و سیاحت از نگاه اسلام، نه تنها محدود نگشته بلکه ترک آن نیز مورد نکوهش و سرزنش قرار گرفته است؛ بطوری‌که بیش از ۱۳ آیه از قرآن مستقیماً به اهمیت سیر و سیاحت به منظور عبرت از گذشتگان پرداخته و نیز روایات متعددی که بر اهمیت آن به منظور بهره‌گیری‌های اقتصادی، اخلاقی و فرهنگی و نیز سلامت و تندرستی انسان‌ها پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: سیر و سیاحت، گردشگری اسلامی، الگوهای فرهنگی، فقه اسلامی.

^۱. نویسنده مسئول: A_Hasanvand270@yahoo.com ، ۰۹۱۳۳۱۵۹۰۹۹

مقدمه:

توریسم یک عامل مهم برای پیشرفت و تکامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشورها محسوب می‌شود. انگیزه‌ی مسافرت هرچه باشد، در مجموع موجب برخورد فرهنگ‌ها شده و عقاید و نظرات جدیدی بوجود می‌آورد و در اثر این برخوردها تغییرات مطلوبی در آداب و رسوم، کردار و رفتار اجتماعی حاصل می‌شود. بنابراین توریسم به عنوان یک امر اجتماعی با امور و مسائل مختلف جامعه ارتباط دارد (رضوانی، ۱۳۸۶: ۵۰). صنعت گردشگری فرصتی برای ساکنان ایجاد می‌کند تا فرهنگ خود را مستقیم و بدون واسطه و به شکل واقعی به علاقه‌مندان عرضه کنند. این عمل بویژه باعث تقویت غرور و همبستگی جامعه میزبان و افزایش حد تحمل آنان در برابر فرهنگ‌های دیگر می‌شود (Richards, 2000: 18). مرز و بوم ایران بستر مناسبی برای بروز و ظهور نمادهای فرهنگی است. ایران با تاریخ و فرهنگ کهن خود آنچنان مملو از غنای فرهنگی است که می‌تواند برای سالهای طولانی، جاذبه‌های نامکرر و مطابق با سلیقه تمام مردم جهان را ارائه کند (جهانیان و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۰). این جاذبه‌های هنری و فرهنگی، می‌تواند خیل عظیم گردشگرانی که کنجکاو و تنوع طلبی انسان امروز و آسانی رفت و آمدها و ملالت آفرینی زندگی ماشینی آنان را از این سو به آن سو می‌کشاند، به سوی خود فراخواند و حضور این گردشگران در کشور ما، به ویژه با توجه به فضای اسلامی حاکم بر آن، می‌تواند صرف نظر از منافع اقتصادی فراوان آن، که به سود جامعه است، زمینه را برای بهره‌وری‌های فرهنگی و معنوی فراهم سازد. اگر برنامه‌ریزی‌های درست و منطقی داشته باشیم می‌توانیم ضمن معرفی آثار فرهنگی و تاریخی کشور، سخن حق و پیام‌های حیات بخش اسلام را به گوش آنان برسانیم؛ آنان را از نزدیک با ارزش‌های معنوی و فرهنگی تجلی یافته در جامعه اسلامی آشنا سازیم و تأثیر غیرمستقیم ارزش‌های الهی را در گردشگرانی که با پای خود به کشور ما آمده‌اند، بیازماییم و زمینه‌ساز عمل به این آموزه شریعت باشیم که «کونوا دعاه للناس بغير السننکم»^۱.

امروزه شاهد توسعه روز افزون صنعت گردشگری در بسیاری از کشورها هستیم و بسادگی می‌توان پیش بینی کرد که در آینده دامنه‌ی این توسعه، گسترده‌تر از پیش خواهد شد (الوانی، ۱۳۷۳: ۱۰). این در حالی است که صنعت گردشگری در ایران بر مبنای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله در بخش توریسم و در افق ۱۴۰۴ می‌بایست با رشد ۱.۵ درصدی در تعداد گردشگران ورودی، حداقل ۲۰ میلیون گردشگر از بازار جهانی را سالیانه به خود جذب نماید؛ اما روند کنونی به هیچ عنوان رضایت بخش نبوده و راه دشوار ایران برای دستیابی به ۲ درصد از درآمد جهانی گردشگری در حاله‌ای از ابهام است. از سویی برخوردهای نادرست و بعضاً سلیقه‌ای در زمینه‌ی گردشگری باعث گردیده تا کشور ایران علیرغم داشتن پتانسیل‌های عظیم تاریخی، طبیعی و فرهنگی، تاکنون از سودهای سرشار این صنعت بی‌بهره بماند. این در حالی است که دستیابی به مزیت‌های فرهنگی-اقتصادی ناشی از توریسم مستلزم سرمایه‌گذاری‌های کلان، برنامه‌ریزی‌های دقیق و مدون و نیز شناخت هر چه بیشتر و بهتر از وضع موجود می‌باشد که اساس آن بر مبنای الگوهای فرهنگی و دینی است. از این رو نگرش صرفاً اقتصادی به توسعه صنعت گردشگری و گسترش مهار گسیخته آن ضایعاتی را به همراه دارد که باریک اندیشان این رشته را به اندیشه چاره‌جویی واداشته است تا در این زمینه به موازین تعدیل کننده‌ای دست یابند (منبع قبلی، ص ۱۱) بنابراین می‌توان با الهام از آموزه‌های دینی و بهره‌گیری از فرهنگ اسلامی، از برخوردهای سلیقه‌ای نسبت به این امر مهم جلوگیری نمود و با معرفی دیدگاه اسلام نسبت به این مقوله‌ی مهم راه را برای برنامه‌ریزان گردشگری در جوامع اسلامی هموار نمود.

بیان مسأله:

گردشگری تأثیرات مثبت و منفی را بر روی نواحی گردشگری و نیز هزینه‌های کشورها ایجاد می‌کند (Baedcharoen, 2000: 3). این صنعت به عنوان صنعت نوظهور عصر جدید به یکی از ارکان اصلی اقتصاد تجاری جهان تبدیل شده است. امروزه از گردشگری به عنوان صنعت بدون دود که هم علت و هم پیامدی در روند جهانی شدن است یاد می‌شود. رشد سریع گردشگری به مثابه یک صنعت، موجب آن شد که بسیاری از حکومت‌ها به گردشگری به عنوان مؤلفه‌ی مهم رشد و توسعه

^۱. دعوت کنید مردم را بسوی خودتان بدون استفاده از زبانتان.

اقتصاد محلی و ملی بنگرند و این امر موجب رشد توریسم به عنوان یک حوزه‌ی علمی و دانش گردیده است (Dale and Robinson, 2001). تردیدی نیست که کشور ایران با دارا بودن موقعیت طبیعی و بویژه اقلیمی مناسب و آثار باستانی ارزنده می‌تواند در فصول چهارگانه سال، محیطی جذاب و مورد توجه برای گردشگران باشد، بنابراین در صورت توجه مسئولین و دست‌اندرکاران به اهمیت ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صنعت توریسم و رفع معضلات پیش رو با همکاری و همیاری همه جانبه، این صنعت می‌تواند یکی از منابع مهم تأمین نیازهای ارزی کشور محسوب و در این راستا، راهگشایی برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به شمار آید.

الگوهای فرهنگی یک جامعه نخست بر شهروندان و توانایی و میل آنها به مسافرت اثر می‌گذارد، به گونه‌ای که موجب ایجاد انگیزه برای مسافرت‌های برون مرزی می‌شود و شیوه یا شکل این مسافرت را تعیین می‌کند و دوم در صنعت گردشگری، فرهنگ (فعالیت‌ها، رویدادها یا محصولات فرهنگی) به عنوان عامل جذب عمل می‌کند (وای. گی، ۱۳۸۸: ۳۰۳)، و هرچه شناخت مردم از همدیگر و از سرزمین همدیگر بیشتر می‌شود، روابط دوستانه‌تر و صمیمانه‌تر می‌گردد (پاپلی‌یزدی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶). از سویی سکنی گزیدن و سفر کردن به شهرهای متمدن و بزرگ، آدمی را به ره آوردهای تمدن و ابتکارات و اختراعات بشری آشنا می‌سازد و فاصله تمدن‌ها و پیشرفت‌ها را به مردم نشان می‌دهد و نیز افقی ژرف‌تر و گسترده‌تر از آن چه در آن می‌زید به روی آنان می‌گشاید (معنیه، ج ۴: ۱۸۲). از جنبه دینی نیز باید گفت که: در دین اسلام مانند ادیان دیگر بر اهمیت سیر و سیاحت تأکید ویژه‌ای شده است. شاید قرآن نخستین کتابی باشد که اهمیت سیر و سیاحت و گردشگری را بوضوح و تفصیل به مردم نشان داده و از آنها خواسته است تا در زمین بگردند و در آثار برجای مانده از گذشتگان بیندیشند و از سرگذشتشان پند بگیرند (کازمی، ۱۳۸۷: ۷). در قرآن محید به سیر و سیاحت و گردش در زمین و در آفاق و انفس بسیار سفارش و تأکید شده است. این تأکید بنا به اهمیت سیر و سفر و بهره‌های گوناگون آن است. سیر در زمین و آفاق گیتی، نگاهی بر آثار و اماکن بازمانده از گذشتگان و مطالعه در تاریخ، سنت‌ها و قوانین مردمان پیشین همراه با اندیشه و درنگ برای پندآموزی و حکمت‌اندوزی و آگاهی از سیره بزرگان و احوال نیک و بد مردمان است (ثواقب و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۵). بنابراین؛ از آنجا که بخش وسیعی از سیاست‌های گردشگری در کشورهای اسلامی، به نتایج فرهنگی و نگاه دینی به آن معطوف است و اسلام و فقه اسلامی ارتباط محکمی با سیاست‌های جذب گردشگر دارند، در این پژوهش سعی بر آن است که گردشگری را از منظر قرآن و تعالیم اسلامی و فقهی مورد مطالعه قرار داده و دیدگاه اسلام و فقه اسلامی را در این زمینه مورد مطالعه و ارزیابی قرار دهیم. در این راستا مهم‌ترین اهداف این پژوهش عبارتند از:

- بررسی الگوی اسلامی گردشگری از منظر قرآن و فقه اسلامی؛
- بررسی دیدگاه اسلام در مورد گردشگری و معرفی رویکردهای آن؛
- بررسی حدود گردشگری در اسلام و فقه اسلامی؛
- بررسی فوائد سفر و سیر و سیاحت از منظر قرآن و سنت اسلامی؛
- ارائه راهبردهای گسترش گردشگری بر مبنای الگوهای مبتنی بر فرهنگ اسلامی.

مفاهیم و ادبیات نظری:

فقه: کلمه‌ی فقه در لغت به معنای فهم، آگاهی و دانایی است، خواه مربوط به دین باشد و یا چیز دیگر (ابن فارس، ج ۴: ۴۴۲). در کتاب لسان العرب معنای فقه فراتر از مطلق دانستن است و منظور از آن علم و دانستن است که همراه با دقت نظر و استنباط باشد (ابن منظور، ج ۱۰: ۳۰۵). از سویی علمی که با شریعت سر و کار دارد به نام علم فقه به معنی بصیرت شناخته می‌شود که عبارت از فهم و درک مبتنی بر وحی است. از آنجایی که اسلام همه‌ی مسائل و مطالب حیات آدمی را از منظر دین نگاه می‌کند، بنابراین شریعت از نگاه منطقی شامل احکام دینی و اعتقادی و همچنین قوانین و مقررات مربوط به زندگی خصوصی و عمومی مسلمانان است (آن، ۱۳۷۶: ۱۰۹).

سیاحت: سائح، به کسی گفته می‌شود که در زمین می‌چرخد و گردشگری می‌کند. اصل این کلمه به معنای حرکت و رفتن مدام است، به همین جهت به آب روان (سبح) گویند و از این رو به انسان روزه دار «سائح» گفته شده، زیرا در فرمانبری و

اطاعت از خداوند و دوری گزیدن از خواسته‌های نفسانی در طول روز پی گیر و استوار است (الطبری الطوسی، ج ۳: ۱۴۶) این واژه به معنای گردشگر، حرکت همراه با آرامش و اندیشه، مسافر، جهانگرد و توریست آمده است؛ «فسیحوا فی الارض اربعه اشهر» پس بچرخید در زمین چهار ماه (توبه، ۹: آیه ۲).

از این آیه و آیات مشابه چنین به دست می‌آید که ایستایی و ماندن در یک مکان مانند زادگاه و یا محل زندگی، به خودی خود ارزش نیست بلکه از آن سوی سیروسفر و سیاحت و حرکت و گردش کردن و آگاهی یافتن از محیط پیرامون و جهان پهناور، نوعی ارزش به شمار می‌رود که مؤمنان از آن برخوردارند.

گردشگری: گردشگری اساساً به معنای مسافرت از یک مبدأ به یک مقصد به منظور سیاحت یا تجارت است و مفهوم آن فرآیندهای مبادله فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. این عوامل در مجموع شبکه‌ای را پدید می‌آورند که ما واژه مسافرت یا توریسم را برای آن به کار می‌بریم (لومسدن، ۱۳۸۰: ۱۵). با این وجود، در مارس ۱۹۹۳، کمیسیون آمار سازمان ملل متحد، تعریف ارائه شده از گردشگری، توسط سازمان جهانی توریسم را پذیرفت. بر اساس این تعریف، توریسم عبارت است از «مجموعه فعالیت‌های افرادی که به مکان‌هایی خارج از محل زندگی و کار خود به قصد تفریح و استراحت و انجام امور دیگر مسافرت می‌کنند و بیش از یک سال متوالی در آن مکان‌ها نمی‌مانند» (داس ویل، ۱۳۸۴: ۱۹).

مشروع بودن صنعت گردشگری: گردشگری حلال، نوعی از گردشگری مذهبی است که تمام فعالیت‌های آن از نظر قوانین اسلامی مجاز شمرده می‌شود. بنابر بررسی‌های سازمان جهانی گردشگری، گردشگری حلال به صورت نوع خاصی از گردشگری مذهبی، منافع کشف نشده بسیار و شانس‌های تجاری زیادی را به کشورهای مسلمان و بویژه آسیای میانه به لحاظ محصولات متعدد فرهنگی - مذهبی ارائه می‌کند. با این وجود می‌توان تعبیر قرآنی سیاحت و گردشگری را «سیروا فی الارض» دانست که در آیات فراوانی مورد اهتمام و تأکید قرار گرفته است. در این کتاب آسمانی نه تنها سیاحت و گردشگری به سبب آثار و فایده‌های فراوان آن امری مشروع و مباح شمرده شده، بلکه ترک آن دست کم برای گروهی از انسان‌ها مورد سرزنش و توبیخ قرار گرفته است. البته مشروع و مجاز بودن گردشگری در صورتی است که اسلام و نظام اسلامی و جامعه مسلمان از ترک آن زیان و ضرر نبینند، وگرنه این مسئله رنگ و جوب و لزوم کفایی به خود می‌گیرد که چه بسا ترک آن موجب نکوهش و سرزنش دینداران است. این نکته را می‌توان از باب وجوب حفظ نظام و نیز حرام بودن سلطه کافران بر مؤمنان و نیز برخورداری عزت و عظمت جامعه اسلامی استفاده کرد.

گردشگری مکروه: هر گونه گردشگری و سیاحتی که انسان نتواند در آن اعمال عبادی و وظایف دینی خود را آسوده خاطر انجام دهد، بلکه در انجام آنها دچار مشکل شود را باید مکروه دانست، گرچه سیاحت در خشکی و به هدفی غیر از تجارت باشد (کلانتری، ۱۳۷۶). بنابراین سفری که برای فرار از اجرای تکلیف الهی صورت پذیرد و انگیزه آن مخالفت با حکم شرع باشد؛ مانند مسافرت برای روزه نگرفتن در ماه مبارک رمضان را باید از نوع سفرهای مکروه بشمار آورد.

گردشگری حرام: سفر برای گناه و مخالفت با دستورهای شرع مقدس اسلام (سفر معصیت) از نوع گردشگری حرام بشمار می‌آید. هر سفری که هدف از آن، خوش‌گذرانی نامشروع (لذه فی محرم)، شرابخواری، قمار بازی و میگساری باشد، یا هر سفری که با ظلم و تجاوز بر مسلمانان همراه باشد و یا سفری که به ایمان و دین فرد ضربه می‌زند و او را از ادای تکالیف دینی باز می‌دارد، سفر معصیت و حرام می‌باشد. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «لا یخرج الرجل فی سفر ینه علی دینه و صلاته»^۱ (الحر العاملی، ج ۱: ۳۴۴). از سوی دیگر اسلام معاشرت و ارتباط دوستانه با آن دسته از کافران که خوی سرکشی و منش استکباری را بر کفر خود افزوده اند، روا نمی‌داند و از مسلمانان می‌خواهد که هیچ گونه پیوندی با آنان نداشته باشند.

^۱ مرد مسلمان به سفری که در آن بر دین و نماز خود ترسان باشد، اقدام نمی‌کند.

یافته‌های تحقیق :**رویکردهای گردشگری اسلامی:**

امروزه کاوشگری و تنوع‌طلبی، انسان‌ها را از این سوی جهان به آن سو می‌کشاند. انسان‌ها می‌خواهند خود به گونه‌ای مستقیم و بی‌واسطه با حقایق و هست و بودها روبه رو شوند، به ویژه آن که صنعت ارتباطات بسان دیگر دانش‌ها و فن‌آوری‌های بشری مورد سوء استفاده و تجاوز زورمداران قرار گرفته و با تمام توانایی‌هایی که در رساندن واقعیت‌ها دارد، در تحریف واقعیت‌ها نیز نقش داشته و مورد بهره‌برداری ناشایست آنان قرار می‌گیرد و این حرکت روز به روز بر جو بی‌اعتمادی می‌افزاید. بنابراین انسان امروزه می‌خواهد بی‌واسطه و مستقیم، همه چیز را خود ببیند. از سوی دیگر یکی از زیبایی‌های فوق‌الوصف دین اسلام اینست که تعلیمات حقه خود را بنحوی قرار داده که از هر جهت برای جامعه انسانی قابل هضم باشد، ما باید برای درک مفهوم این مسئله و نتایج گرانبهای آن، تعمق و تأمل بیشتری بکار ببندیم (طباطبائی، ۱۳۷۰: ۳۹). بنابراین در ذیل دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف گردشگری اسلامی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

رویکرد اقتصادی گردشگری اسلامی :

توریسم بعنوان یک صنعت دارای مزایایی است که توسعه آن در یک کشور مستعد، هم به نفع افزایش کار و درآمد ملی و هم بصورت ارز آوری خارجی و هم بصورت سرعت گردش پول، قابل توجه است (رضوانی، ۱۳۸۶: ۴۹). توسعه‌ی صنعت گردشگری در کشورهای صنعتی، موجب تنوع درآمدها و کاهش ناهماهنگی در اقتصاد می‌شود و در کشورهای در حال توسعه، فرصتی برای صادرات ایجاد می‌کند که نرخ رشد آن از اشکال سنتی صادراتی بیشتر است.

از سویی اسلام اگر سرمایه‌داری را رواج نداده باشد، به‌رحال روا داشته است؛ بطوری که هیچ دین دیگری هم از ادیان بزرگ، رهیافت ضد سرمایه‌داری ندارد (خرمشاهی، ۱۳۷۴). بنابراین از بعد اقتصادی توجه به این امر لازم است که امروزه گردشگری در دنیا، به عنوان صنعتی بسیار کارآمد و اشتغال آفرین مطرح است، به گونه‌ای که برخی آن را هم پایه صنعت نفت، بلکه از برخی جهات مهم‌تر از آن می‌دانند. صدور نفت و گاز بویژه با وضعیت کنونی بازار آن، به معنای از دست دادن سرمایه‌های طبیعی است، بی آنکه چیزی جایگزین آن شود؛ ولی صنعت گردشگری نه تنها این نتیجه را در پی ندارد بلکه موجب شناساندن اسلام و فرهنگ اسلامی به ملت‌هایی می‌شود که در کی صحیح و درست از مکتب و ارزش‌های اصیل دینی و ملی ما ندارند.

رویکرد فرهنگی گردشگری اسلامی:

سیر و سیاحت در آفاق در مرحله اول باعث شناخت فرهنگ‌های گوناگون شده و در مرحله دوم، ضمن ارزیابی آن در خصوصیات اکتسابی فردی و اجتماعی افراد تأثیر خواهد گذاشت و بهره‌گیری از تجربه و علوم سایر ملت‌ها و تأثیرات متقابل فرهنگی در جهت فرهنگ‌پذیری و یا فرهنگ دهی می‌شود (ثواقب و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۵۸). با این وجود نیاز به گردشگری اسلامی در کشورهای اسلامی را چنین می‌توان بیان کرد: اساساً فضای معنوی کشورهای مسلمان خود دارای جاذبه است؛ بسیاری از مسلمانان دوست دارند به مناطقی سفر کنند که فرهنگ و ارزش‌های اسلامی بر آنها حاکم است. رعایت ارزش‌ها و آداب اسلامی از جمله وجود غذاهای حلال و راحتی در انجام فرایض دینی، احساس امنیت و خاطری آسوده را برای گردشگران مسلمان فراهم می‌کند (وارثی و همکاران، ۱۳۸۹). بنابراین گردشگری در دنیای امروز، جایگاه خود را هم‌چنان حفظ کرده و از مهم‌ترین راه‌های صدور فرهنگ‌ها شناخته می‌شود و دولت‌ها روی آن به گونه جدی سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ بطوری که امروزه سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی را برای دستیابی به این مهم و شناساندن و معرفی فرهنگ خود به دنیا اختصاص داده‌اند.

رویکرد اجتماعی گردشگری اسلامی:

در همه‌ی ادیان، بخصوص دین اسلام یکسری وظایف و مسائل اخلاقی گوناگونی برای مسافر معین شده است که رعایت آنها از نظر شرعی الزامی است مثل خوش خلقی، برنامه منظم برای سفر، مزاح و شوخی در حدی که به گناه نینجامد، مشورت و ... (رحیم پور و همکاران، ۱۳۷۹: ۵۶-۵۹). قرآن نیز سیر و سیاحت را سبب تعقل و اندیشه و بالا رفتن سطح آگاهی و بینش انسان دانسته؛ یعنی همان عنصری که بی‌تردید سنگ بنا و شالوده‌ی رشد و توسعه زندگی انسان در ابعاد گوناگون فرهنگی،

سیاسی، اقتصادی و ... است و روشن است که یک جامعه‌ی بسته و بی‌خبر از دیگر ملتها در هیچ زمینه‌ای رشد شایسته و بایسته‌ای ندارد و از تجربه‌ها و دست‌آوردهای علمی و فکری و اجتماعی دیگران محروم است. از دیدگاه اسلام، گروه‌های غیرمسلمانی که براساس پیمان‌های دینی و تحت لوای آیین و شرایط اسلام، وارد سرزمین اسلامی می‌شوند، تا زمانی که در کشور اسلامی به سر می‌برند (چه گردشگر، بازرگان، میهمان، و...) از حقوق شهروندی برخوردارند. البته دیدگاه اسلام در رابطه با اتباع بیگانه و طرز تلقی از آن در سطح جهانی (حتی در کشورهای اسلامی)، قابل پذیرش نیست؛ چرا که براساس اندیشه اسلامی تمام مسلمانان، امت واحد اسلامی را تشکیل می‌دهند و در ورود به کشورهای اسلامی محدودیتی نخواهند داشت. در صورتی که این تفکر در عمل جایگاهی ندارد.

گردشگری در بررسی‌های قرآنی:

دستورها و فرامین خداوند در زمینه‌ی گردشگری:

قرآن کریم در بیش از ۶ آیه، فرمان به سیر در زمین در جهت عبرت از سرگذشت پیشینیان و آگاهی از چگونگی آفرینش می‌دهد:

«قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین»

پیش از شما سنت‌هایی وجود داشته و سپری شده است، پس در زمین گردش نمایید و سرانجام کار تکذیب کنندگان حق را بنگرید (آل عمران، ۳: آیه ۱۳۷).

«قل سیروا فی الارض ثم انظروا کیف کان عاقبه المکذبین»

ای پیامبر به مردم بگو؛ در زمین سیر کنید و بنگرید که فرجام تکذیب کنندگان حق چگونه بوده است (انعام، ۶: آیه ۱۱).

«قل سیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المجرمین»

ای پیامبر به مردم بگو؛ در زمین سیر کنید و بنگرید فرجام گنه پیشگان چگونه بوده است (نمل، ۲۷: آیه ۶۹).

«قل سیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین»

پس در زمین بگردید و ببینید فرجام تکذیب کنندگان حق چگونه بوده است (نحل، ۱۶: آیه ۳۶).

«قل سیروا فی الارض فانظروا کیف بدا الخلق»

ای پیامبر به مردم بگو؛ در زمین سیر و گردش نمایید و بنگرید چگونه خداوند آفرینش را به وجود آورد (عنکبوت، ۲۹: آیه ۲۰).

«قل سیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه الذین من قبل کان اکثرهم مشرکین»

ای پیامبر به مردم بگو؛ در زمین سیر کنید و به سرانجام گذشتگان، که بیشتر آنان مشرک بودند بنگرید (روم، ۳۰: آیه ۴۲).

نکته مهمی که باید به آن اشاره شود، اینست که در بیان این آیات نه تنها مسئله سیر و سفر تشویق و ترغیب شده، بلکه آن را به پیروان خود امر و تکلیف نموده است و با کلمات «سیروا» و «انظروا» به این مهم تأکید گردیده است (ثواقب و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۷). بنابراین، آنچه گفته شد بیانیه روشنی برای همه انسانها و وسیله‌ی هدایت و اندرزی برای همه‌ی پرهیزگاران است؛ یعنی در عین این که این بیانات جنبه‌ی همگانی و مردمی دارد، تنها پرهیزکاران و افراد هدفدار از آن الهام می‌گیرند و هدایت می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ۱۲۷). از این رو در این گونه آیات، هدف از سیر و سیاحت را پند و عبرت-گیری از گذشتگان اعلام کرده است.

آیاتی که ترک سفر را مورد نکوهش قرار داده‌اند:

قرآن در بیش از هفت آیه به گونه‌ی استفهام، انسان را به سیر در زمین فرا می‌خواند تا آثار پیشینیان را ببیند و از آنها عبرت بگیرد:

«اولم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عاقبه الذین من قبلهم و کانوا اشد منهم قوه»

آیا در زمین، گردش نمی‌کنند تا بنگرند به چگونگی سرانجام کسانی که پیش از ایشان زندگی می‌کردند و از ایشان نیرومندتر بودند (فاطر، ۳: آیه ۴۴).

«افلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عاقبه الذین من قبلهم»

آیا در روی زمین نمی‌گردند، تا فرجام کسانی را که پیش از آنان بوده‌اند را ببینند (یوسف، ۱۲: آیه ۱۰۹).

« افلم یسیروا فی الأرض فتکون لهم قلوب یعقلون بها أو آذان یسمعون بها »

آیا در زمین سیر نمی‌کنند تا صاحب دل‌هایی گردند که بدان تعقل نمایند و گوش‌هایی که با آن به حقیقت بشنوند (حج، ۲۲: آیه ۴۶).

« او لم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبه الذین من قبلهم و کانوا اشد منهم قوه و آثاروا الأرض و عمروها اکثر مما عمروها »

آیا در زمین سیر نمی‌کنند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنها زیسته‌اند چگونه بوده است! آنها بس نیرومندتر از ایشان بودند و زمین را زیر و رو کردند (روم، ۳۰: آیه ۹).

« او لم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عاقبه الذین کانوا من قبلهم کانوا اشد منهم قوه و آثاروا فی الأرض »

آیا در زمین نگشته‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بوده است، آنها از ایشان نیرومندتر بوده و آثار پایدارتری در روی زمین از خود باقی گذاشته‌اند (غافر، ۴۰: آیه ۲۱).

« افلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عاقبه الذین کانوا من قبلهم کانوا اکثر منهم و اشد قوه و آثاروا فی الأرض »

آیا در زمین سیر نمی‌کنند تا عاقبت کار پیشینیان را که از اینها تعدادشان بیشتر و بسیار قوی تر و آثار بیشتری روی زمین داشتند، مشاهده کنند (غافر، ۴۰: آیه ۸۲).

« افلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عاقبه الذین کانوا من قبلهم کانوا دمر الله علیهم و للکافرین أمثالها »

آیا در زمین سیر نمی‌کنند تا عاقبت کار پیشینیان را مشاهده کنند که چگونه خداوند همهٔ آنان را نابود کرد و این گونه عذابی برای کافران است (محمد، ۴۷: آیه ۱۰).

این آیات نه تنها به اصل مسئله جهانگردی و سیاحت تشویق و ترغیب می‌کند، بلکه آن را بعنوان دستور بر پیروان خود واجب کرده است. از این آیات چنین به دست می‌آید که سیر و سفر در زمین، امری پسندیده و مستحب در شریعت است.

سیاحت و گردشگری از نگاه روایات:

یکی از جلوه‌های برتر در فرهنگ اسلام دعوت به سیر و سفر می‌باشد. پویایی این اندیشه در فرهنگ اسلام از چنان والایی، تحرک و شادابی برخوردار است، که همیشه الهام بخش تحرک فعالیت مردم بوده است (مسگرنژاد، ۳۷۳: ۹). روایات‌ها و رهنمودهای رسیده از پیشوایان معصوم نیز گویای آن است که پختگی، کمال، حقیقت‌یابی و رسیدن به عینیت و واقعیت در پرتو سیر و سفر و گردشگری ممکن و میسر است و مسلمانان باید برای این بخش از زندگی نیز برنامه‌ریزی کنند.

- در حدیث نبوی آمده است: مسافرت کنید تا سلامتی و عافیت یابید. مسافرت کنید تا بهره‌مند شوید (مجلسی، ج ۷۶: ۲۲۱).

- در حدیثی دیگر از پیامبر آمده است: مسافرت کنید تا سلامتی و روزی پیدا کنید. (الهندی، ج ۶۹: ۱۷۴).

- پیامبر اکرم (ص) در وصیتی به حضرت علی (ع)، مسافرت را کار انسان‌های عاقل در جهت بهبود زندگی و تهیه زاد و توشه‌ی اخروی و آسایش و لذت حلال می‌داند و بیان می‌فرماید:

- ای علی! بر انسان عاقل سزاوار نیست برای غیر از این سه امر مسافرت کند: بهبود تأمین و تکمیل زندگی، تهیه زاد و توشه اخروی؛ آسایش، لذت و خوشی حلال (حر عاملی، ج ۱۱: ۳۴۴).

- حضرت علی (ع) نیز وصیت پیامبر اکرم را به فرزندش امام حسن مجتبی‌یادآور می‌شود و می‌فرماید:

انسان عاقل شایسته نیست که مسافرت بکند، مگر برای سه امر: بهبود معیشت زندگی، توشه اخروی؛ لذت، تفریح و شادکامی حلال (مجلسی، ج ۷۳: ۲۲۲).

- در حکمت آل داود (ع) آمده است که امام صادق (ع) فرمود: که بر شخص عاقل است که کوچ نکند و بار سفر نیندند مگر برای اندوختن توشه آخرت، یا ترمیم نمودن وضع معاش، یا لذت جویی در غیر حرام (مجلسی، ج ۷۶: ۲۲۲).

ابعاد مختلف سیر و سیاحت از دیدگاه حضرت رسول (ص):

پیامبر اکرم (ص) در دوران پس از هجرت و فتح مکه مسلمانان را برای یادگیری، سیاحت و سفر تشویق و ترغیب می نمود؛ چنانچه خود حضرت نیز به سیاحت و گردش بر روی زمین می پرداخت مانند دیدار و سیاحت از وادی هجر، سرزمین قوم ثمود و سرزمین قوم صالح (ابن اثیر، ج ۱: ۹۳). حضرت رسول (ص) از ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، تجربی و علمی به تشویق سیر و سفر و سیاحت پرداخته اند؛ از آن جمله:

- پیامبر اکرم (ص) برای تشویق مسلمانان برای بهره‌مندی از منابع طبیعی و کسب ثروت می فرماید:

«سافروا تصحوا و تغنموا»؛ سفر کنید تا تن درست گردید و به غنیمت برسید (مجلسی، ج ۶۲: ۲۶۷).

«سافروا تصحوا و ترزقوا»؛ به سفر بروید تا هم به سلامت مانید و هم روزی یابید (الهندی، ج ۶: ۷۰۱).

- پیامبر اکرم (ص) برای تشویق مسلمانان به سفر و رشد عقلانی و فکری ناشی از آن می فرماید:

«سافروا؛ فانکم ان لم تغنموا مالا أفدتم عقلاً»؛ سفر کنید؛ همانا اگر در سفر غنیمت و مالی به دست نیاورید، اما عقل و اندیشه شما فزونی خواهد یافت (طبرسی، ۲۴۰).

بهره‌گیری پیامبر (ص) از موقعیت‌های گردشگری:

رواج و نفوذ دین مبین اسلام بیشتر از راه مسافران و رهگذرانی که به مکه و یا بعدها به مدینه می رفتند، انجام می یافت. اگر نگوییم موقعیت گردشگری و گردشگری پذیر شهر مکه و بهره‌برداری درست پیامبر از آن موقعیت عامل اصلی رشد و گسترش اسلام بوده، به واقع باید آن را به عنوان مهم‌ترین عامل دانست. چرا که از روش‌های موفق و مؤثر پیامبر (ص) برای انتشار اسلام، بهره‌گیری از موقعیت توریستی شهر مکه بود؛ بطوری که در ماه‌های سال، مسلمانان و غیر مسلمانان از سرزمین‌های دور و نزدیک و از طایفه‌های گوناگون برای برگزاری مراسم حج و نیز داد و ستد و تجارت به مکه هجوم می آوردند. پیامبر (ص) از این فرصت به خوبی استفاده می کرد، آموزه‌های اسلام با بیان دلنشین پیامبر در بسیاری از افراد مؤثر می افتاد و در بازگشت به میان قوم و قبیله خود از پیامبر و آیین او به نیکی سخن می گفتند و افرادی از قبیله خویش را شیفته دیدار با پیامبر می کردند. از این راه، پیامبر توانست در دل تمام قبیله‌ها جا باز کند و پیروانی کسب نماید (مخلصی، ۱۳۷۶).

ابعاد مختلف سیر و سیاحت از دیدگاه حضرت علی (ع):

در فرازی از نهج البلاغه، امام علی (ع) بهره‌مندی و برخورداری از لذت‌های مباح و حلال را در گرو سیر و سیاحت دانسته و آن را بخشی از زندگی مسلمان شمرده است و می فرماید:

«لیس للعاقل أن یكون شاخصاً إلا فی ثلاث، مره لمعاش، أو خطوه فی معاد، أو لذه فی غیر محرم»؛ خردمند از شهری به شهری (و از کشوری به کشوری دیگر) نمی رود، مگر برای یکی از این سه چیز: سامان‌دهی امور معیشتی، گام نهادن در اصلاح آخرت، برخورداری از لذت و تفریح سالم. (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۰). از سوی دیگر حضرت علی (ع) در زمان خلافت خود به تشویق سفر و سیاحت پرداخته و خود از ایوان کسری و بابل دیدن نموده است (مجلسی، ج ۴۱: ۲۱۳).

حضرت علی (ع) برای نیل به تعالی و ترقی انسان‌ها، همواره مردم را به سیر و سیاحت و گردش به آفاق و انفس دعوت نموده و می فرماید: از وطن‌های خود دور شوید و مسافرت کنید که در سفر پنج فائده است: نخست اینکه سفر باعث تفریح و انبساط روح است و اندوه و آزردهگی‌ها را بر طرف می کند، دوم مسافرت یکی از راه‌های تحصیل درآمد و تأمین معاش است، سوم مسافرت وسیله فراگرفتن علم و تجربه است، چهارم مسافرت به انسان آداب زندگی می آموزد و پنجم آدمی در سفر با افراد با فضیلت و خلیق برخورد می کند و با آنان دوست می شود (تنکابنی و همکاران، ۱۳۷۷: ۱۴۶). لذا در بینش اسلامی و قرآن کریم سیر و سیاحت صرفاً به معنای وقت گذرانی، استراحت و تفریح و تماشای ظاهری نیست، بلکه در امور ظاهری و دنیایی از آنها دیدار می شود و مسائل عمیق، پیچیده و هدف دار نیز وجود دارد که باید در طی این مسافرت‌ها به آنها دست یافت.

احکام و حدود گردشگری اسلامی:

معاشرت مسلمانان با غیر مسلمان و گردشگران:

پذیرش صلح و هم زیستی: «و ان جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله انه هو السميع العليم»

هر گاه دشمنان به صلح و هم زیستی گراییدند تو نیز به آن بگرا و بر خدا توکل کن، زیرا اوست شنوای دانا (انفال، ۸: آیه ۶۱). هرگاه دولت اسلامی با غیر مسلمانی که برای سیاحت و گردشگری یا به هر منظور دیگری به دارالسلام می‌آیند، قراردادی ببندد و به آنان روایت و امان دهد، بر دولت و شهروندان مسلمان عمل به آن قرارداد واجب است. ولی روشن است که واجب بودن پای بندی عمل به قرارداد یاد شده، مانند دیگر قراردادها مقید به این است که در آن چیزی بر خلاف شرع، گنجانیده نشده باشد (کلانتری، ۱۳۷۶).

رأفت و گذشت: «ود کثیر من اهل الکتاب لو یردونکم من بعد ایمانکم کفاراً حسداً من عند انفسهم من بعد ما تبین لهم الحق فاعفوا و اصفحوا حتی یاتی الله بامرہ».

بسیاری از اهل کتاب شما را از روی حسد دوست داشتند تا ایمانتان را به کفر برگردانند، پس از آن که حق بر آنان آشکار گشت، پس ببخشید و در گذرید تا آن که خدا فرمان خویش را دهد (بقره، ۲: آیه ۱۰۹).

پرهیز از ظلم و ستم: «فان اعتزلوکم فلم یقاتلوکم والقوا الیکم السلم فما جعل الله لکم علیهم سبیلاً»

پس اگر کفار از شما کناره گرفتند و با شما نجنگیدند و طرح صلح و مسالمت افکندند، در آن صورت خدا برای شما چیرگی و آزار بر آنان قرار نداده است (نساء، ۴: آیه ۹۰).

امام صادق (ع) به نقل از پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: هر کس به خدا و آخرت ایمان دارد، بایستی به همسایه خود یا کسی که به او پناه آورده آزار نرساند و هر کس به خدا و آخرت ایمان دارد باید میهمان خویش را گرامی دارد (الحر العاملی، ج ۸) از سویی محقق حلی بیان می‌دارد، هر گاه کافر حربی به منظور سکونت در دارالسلام برای خود قرارداد امان امضاء کند، مال او نیز به تبع جاننش، مشمول قرارداد خواهد بود (محقق حلی، ج ۱: ۳۱۵).

نیکی و احسان: «ولا تجادلوا اهل الکتاب إلا بالتی هی أحسن إلا الذین ظلموا»

با اهل کتاب جزء شیوه‌ای که از همه نیکوتر است بحث و گفتگو نکنید، مگر آن عده از آنان که ستمگرند (عنکبوت، ۲۹: آیه ۴۶).

پیامبر (ص) فرمود: مسلمانی که بر کافر هم پیمان خود ستم کند و یا او را به کاری بیش از توانش وادارد و یا به ناروایی از او چیزی بگیرد، در روز قیامت از او بازخواست خواهیم کرد (نصیری، ۱۳۸۷: ۱۷۱). وفا کردن به قراردادهای ذمه واجب است، تا وقتی که قراردادهای یاد شده، در بردارنده چیزی مخالف با شرع نباشد (محقق حلی، ج ۱: ۳۱۴). شرط دیگری که باید در درستی قراردادهای گردشگری در نظر داشت این است که باید این قراردادها به هر حال سبب بروز مفسده و زیان به جامعه اسلامی نشود.

رعایت ارزش‌های اسلامی از سوی گردشگران غیر مسلمان:

با توجه به پویایی گردشگری، پر واضح است که در هر زمان ابعاد جدیدی به مسائل مربوط به حقوق گردشگری افزوده می‌شود. در این بین برخی از کشورها نیز با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و محیطی و به فراخور نیاز، اقدام به تنظیم ضوابط و مقررات خاصی در امر گردشگری می‌کنند. از این‌رو برای گردشگران غیر مسلمان افزون بر انجام بایدها در انظار عمومی، امور دیگری نیز به عنوان نبایدهای غیر مسلمانان در دارالاسلام از نظرگاه فقهی قابل بررسی است از جمله:

- سکنی نگزیدن در سرزمین حجاز. [اهل ذمه (یهود و نصارا و سائبان) داخل حرم نمی‌شوند و از آنجا بیرون رانده می‌شوند (النوری الطبری، ج ۱۱)].

- روابط مسلمانان با غیر مسلمانان باید بر اساس احترام متقابل باشد، همان گونه که مسلمانان وظیفه دارند به نیکی با آنان معاشرت کنند، آنان نیز وظیفه دارند در وطن اسلامی برای مردم، مذهب و حکومت ما احترام قائل شوند، یعنی از کارهایی که

ناسازگار با اصل «احترام متقابل» است خودداری کنند. از باب نمونه: به آزار و اذیت مسلمانان نپردازند، به دشمنان اسلام و مسلمانان کمک نکنند، آشکارا منکرها را انجام ندهند، در پی جاسوسی و گسترش فساد نباشند (کلانتری، ۱۳۷۶).

تعهدات شرعی و اخلاقی شهروندان مسلمان نسبت به گردشگران غیر مسلمان:

دین اسلام همچون سایر ادیان در موارد بی شماری بر حفظ جان و مال بیگانگان تأکید نموده است و آنرا جزء ارزشها تلقی می‌نماید؛ «و ان احد من المشركين استجارك فاجره حتى يسمع كلام الله» و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست، او را پناه ده تا کلام خدا را بشنود (توبه، ۹: آیه ۶).

هر کس به خدا و آخرت ایمان دارد، بایستی به همسایه خود یا کسی که به او پناه آورد آزار نرساند و هر کس به خدا و آخرت ایمان دارد باید میهمان خویش را گرامی دارد (الحر العاملی، ج ۸).

ورود گردشگران غیر مسلمان به مساجد:

مکانهای مقدس اسلامی، صرف نظر از ویژگی قدسی و معنویتی که دارند، نمایشگاهی از هنر و نمادی از تمدن و فرهنگ اسلامی اند. معماری و ساختمان مساجد را می‌توان شناخته شده ترین و تا حدود معینی بارزترین بیان هنری فرهنگ اسلامی بحساب آورد (گواهی، ۱۳۷۶: ۷۴). این بناها با نقش چند کارکردی خود همواره تأثیر شگرفی در اصلاح تربیت الگوهای اسلامی و فقهی مسلمانان داشته و به همراه جاذبه‌های فرهنگی دیگر از اهمیت زیادی برای جذب گردشگران و معرفی نمودن الگوهای فرهنگی و مذهبی به آنان بشمار می‌آید. از طرفی مسلمین علاقمندند که پیروان سایر ادیان و مذاهب از مساجد باشکوه آنها دیدن نمایند و با کلام قرآن آشنایی پیدا نمایند. البته رعایت حرمت و حفظ جایگاه این مکانهای مقدس امری است ضروری، و بدون تردید باید با برنامه‌ریزی درست، به هنگام ورود گردشگران و جهانگردان غیر مسلمان بر آن پای فشرد.

پوشش زنان گردشگر:

برای شناخت حکم پوشش زنان غیر مسلمان، و یا وارد کردن آنان به پوشش اسلامی به هنگام حضور در جوامع اسلامی، باید به دو نکته اساسی زیر توجه داشته باشیم:

الف) با مطالعه قراردادهایی که پیامبر اسلام (ص) با اهل ذمه داشته است، به این نتیجه می‌رسیم که آنان می‌توانند بر اساس فرهنگ خودشان رفتار کنند و هیچ الزامی نسبت به پوشش اسلامی ندارند، زیرا با این که در این قراردادها اهداف و مواد آن به گونه ای روشن تنظیم می شده است، در عین حال، هیچ سخنی از پوشش زنان آنها به میان نیامده است.

ب) در شماری از روایات از پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) سؤال شده که نگاه کردن به سر و صورت و موهای اهل ذمه چه حکمی دارد؟ از باب نمونه: در حدیثی از علی (ع) آمده است: نگاه به سرهای زنان اهل ذمه جایز است (الحر العاملی، ج ۱۴: ۱۴۹).

در روایتی امام صادق (ع) به نقل از پیامبر اسلام (ص) فرمود: حرام نیست که به موها و دست های زنان اهل ذمه نگاه شود. (الحر العاملی، ج ۱۴: ۱۴۹). از این رو امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله چنین نظر می‌دهد که، «نگاه کردن به زنان نامحرم غیر مسلمان جایز است، بنابر احتیاط واجب نمی‌توان به موضعی که به طور معمولی پوشانند نگاه کرد، مشروط به آن که به قصد ریبه و تلذذ نباشد» (موسوی خمینی، ج ۲: ۲۴۴). با این وجود حکومت اسلامی باید از عفت عمومی جامعه اسلامی پاسداری کند و از راهها و عواملی که سبب فساد و انحراف می‌گردد، جلوگیری نماید. بر این اساس، اگر حاکم اسلامی تشخیص دهد که رفت و آمد زنان غیر مسلمان بدون پوشش مناسب در میان جامعه اسلامی گسترش فساد را در پی دارد و یا سبب می‌شود که زنان مسلمان به بی‌حجابی روی آورند، می‌تواند از اختیارات حکومتی خود بهره گرفته و با در نظر گرفتن مصلحت اسلام و امت اسلامی آنان را به پوشش خاصی وادارد، پوششی که از فساد و انحراف جلوگیری نماید (مزینانی، ۱۳۸۵).

نتیجه‌گیری و ارائه راهبردها:

اسلام گردشگری را از دو منظر مورد توجه قرار می‌دهد: اولاً گردشگری زمینه مشاهده جهان خلقت، دستاوردهای بشری، تفکر در آثار صنع الهی، بدست آوردن ثروت و غنیمت و نیز بهره‌گیری از مواهب طبیعی را فراهم می‌آورد. و نیز علاوه بر آن

گردشگری موجب آشنایی فرهنگ‌های دیگر با فرهنگ اسلامی می‌شود. در آیات قرآنی نیز به کرات به حضور بیگانگان در کشورهای اسلامی و نحوه برخورد با آنها پرداخته شده است. بنابراین پر واضح است، با توجه به چنین تأکیدهایی در زمینه رشد و توسعه گردشگری و جنبه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن صرفه نظر از منافع و بهره‌های آن کار معقولانه‌ای نیست. از سویی پذیرش گردشگر و بازگشایی صنعت توریسم در کشورمان می‌تواند علاوه بر بهره‌های اقتصادی، تربیون و ابزاری مناسب برای ابلاغ الگوهای فرهنگی - اسلامی به انسان‌هایی باشد که یا هنوز اسلام به ایشان نرسیده و یا قرائتی ناقص، نادرست و تحریف شده از اسلام و فرهنگ اسلامی شنیده‌اند. از سویی، هرگاه ما به باید و نبایدهای شرعی توجه کنیم و بخواهیم دستور العمل‌های اسلام و ارزش‌های اسلامی را در همه زوایای حرکت گردشگری بگسترانیم، صنعت گردشگری برای ما نه تنها درآمد زا خواهد بود، بلکه پیامدهای ناگوار حاصل از تبلیغات سوء و بی توجهی به ارزش‌های آن به حداقل خواهد رسید. بنابراین با ارائه راهبردها و راهکارهایی مدون و هماهنگ با الگوهای فرهنگی و اسلامی ایران می‌توان از مواهب سرشار آن بهره‌های لازم و کافی را برد. از این‌رو جهت پیشبرد توسعه توریسم در جامعه اسلامی ایران راهبردهای ذیل پیشنهاد می‌گردد.

- استقرار سیستم مدیریتی قانونمند بجای سیستمی باز و یا کاملاً بسته، فراملی بجای ملی، برون گرا بجای درون گرا و گروه گرا بجای فرد گرا؛ تا این صنعت که امروزه در جهان از درآمدهای نفتی هم پیشی گرفته رونق پیدا کند.
- اجرای مقررات و ضوابط مترقی گردشگری بر پایه اصول و فرهنگ اسلامی و تغییر بنیادین بروکراسی اداری.
- اجرای قوانینی کاربردی به منظور رعایت حقوق و برقراری امنیت جانی و مالی گردشگران خارجی و گسترش فرهنگ گردشگرپذیری در کشور.
- پذیرفتن تغییر و تحول در عرصه بین‌المللی و رقابت‌های جهانی با حفظ منافع ملی و برنامه‌ریزی‌های دقیق به صورت کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت بجای روزمرگی و برخورد‌های سلیقه‌ای.
- هدایت نظام مدیریتی از روش سنتی به روش علمی، کارآمد، اثربخش و غیر سلیقه‌ای.
- اطلاع رسانی، فرهنگ سازی و مطالعه عمیق بر روی موانع فرهنگی، با هدف معرفی مراکز جاذب و جالب توجه برای گردشگران و نیز ارائه آموزش‌های لازم به میهمان و میزبان با تبلیغات هدفمند.
- توجه به حفظ ارزش‌های فرهنگی و اسلامی و ایجاد محصولات گردشگری متناسب با فرهنگ بومی در جوامع میزبان.

منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آن، ماری شیمل (۱۳۷۶): درآمدی بر اسلام، ترجمه عبدالرحیم گواهی، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، تهران.
۴. ابن اثیر (۱۹۹۵): الکامل فی التاریخ، جلد اول، دارالکتب العلمیه.
۵. ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۴۰۴): معجم مقاییس اللغه، جلد چهارم، مکتب الاعلام الاسلامی، قم.
۶. ابن منظور، جمال الدین (۱۴۱۶): لسان العرب، جلد دهم، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت.
۷. الوانی، سیدمهدی (۱۳۷۳): «ساز و کارهای لازم برای توسعه پایدار جهانگردی»، خلاصه مقالات برگزیده دومین اجلاس ایرانگردی جهانگردی فرهنگ و توسعه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۸. پاپلی یزدی، محمد حسین و مهدی سقایی (۱۳۸۶): گردشگری (ماهیت و مفاهیم)، انتشارات سمت، چاپ دوم، تهران.
۹. تنکابنی، فرید و مرتضی، الحدیث (۱۳۷۷): روایات ترتیبی از مکتب اهل بیت (ع)، چاپ یازدهم، جلد دوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۱۰. ثواقب، جهانبخش و محمد جواد رحمانی (۱۳۸۵): سیر و سیاحت در قرآن مجید، انتشارات مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ اول، قم).

۱۱. جهانیان، منوچهر و زهرا نادعلی پور (۱۳۸۸): مدیریت گردشگری و تعاریف، ماهیت و اجزاء، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، تهران.
۱۲. الحر العاملی، محمد بن الحسن (۱۹۹۳): تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد چهاردهم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت.
۱۳. ----- (۱۹۹۳): تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد یازدهم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت.
۱۴. ----- (۱۹۹۳): تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد هشتم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت.
۱۵. خرمشاهی، بهاء الدین و هیئت مترجمان (۱۳۷۴): فرهنگ دین، انتشارات طرح نو، چاپ اول، تهران.
۱۶. داس ویل، راجر (۱۳۸۴): مدیریت جهانگردی، ترجمه سید محمد اعرابی و داود ایزدی، نشر دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ سوم، تهران.
۱۷. رحیم پور، علی و سید داوود موسوی (۱۳۷۹): سیمای جهانگردی اسلامی، نشر محیا، چاپ اول، تهران.
۱۸. رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۶): جغرافیا و صنعت توریسم، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ هفتم، تهران.
۱۹. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۰): رسالت تشیع در دنیای امروز، انتشارات دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، تهران.
۲۰. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۶۸): مکارم الأخلاق، منشورات الشریف الرضی، چاپ ششم، قم.
۲۱. الطبری الطوسی، امین الاسلام ابی علی الفضل بن الحسن (۱۹۹۵): مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد سوم، مکتبه الحیاء، بیروت.
۲۲. قره نژاد، حسن (۱۳۸۸): صنعت گردشگری و تحلیل های اقتصادی آن، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، چاپ اول، اصفهان.
۲۳. کاظمی، مهدی (۱۳۸۷): مدیریت گردشگری، انتشارات سمت، چاپ سوم، تهران.
۲۴. کلانتری، علی اکبر (۱۳۷۶): «فقه و صنعت گردشگری»، مجله فقه، ش ۱۴، تهران، صص ۱۵-۵۴.
۲۵. لومسدن، لس (۱۳۸۰): بازاریابی گردشگری، ترجمه ابراهیم گوهریان، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول، تهران.
۲۶. لی، جان (۱۳۷۸): گردشگری و توسعه در جهان سوم، ترجمه عبدالرضا رکن الدین افتخاری و معصومه السادات صالحی امین، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، تهران.
۲۷. مجلسی، محمد باقر (۱۹۸۳): بحار الأنوار، جلد هفتاد و سه، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲۸. ----- (۱۹۸۳): بحار الأنوار، جلد هفتاد، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲۹. ----- (۱۹۸۳): بحار الأنوار، جلد شصت و دوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۰. ----- (۱۹۸۳): بحار الأنوار، جلد چهل و یکم، مؤسسه الوفاء، قم.
۳۱. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۲۰): شرایع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد یکم و نهم، بنیاد معارف اسلامی، قم.
۳۲. مخلصی، عباس (۱۳۷۶): «آمد و شد با جهانگردان غیر مسلمان»، مجله فقه، ش ۱۴، تهران، صص ۲۰۶-۲۴۴.
۳۳. مزینانی، محمد صادق (۱۳۷۶): «زنان و محدودیت های جهانگردی»، مجله فقه، ش ۱۴، تهران، صص ۱۵۵-۲۰۵.
۳۴. مسگرنژاد، جلیل (۱۳۷۳): «سیر و سفر در فرهنگ اسلام»، خلاصه مقالات برگزیده دومین اجلاس ایرانگردی جهانگردی فرهنگ و توسعه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۳۵. مغنیه، محمد جواد (۱۹۷۲): فی ظلال نهج البلاغه، جلد ۴، انتشارات دارالعلم للملایین، چاپ اول، بیروت.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸): تفسیر نمونه، جلد سوم، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۳۷. موسوی خمینی، روح الله (۱۴۰۴): تحریر الوسیله، جلد دوم، مؤسسه النشر الاسلامیه، قم.
۳۸. نصیری، علی (۱۳۸۷): سنن ابی داود سلیمان بن اشعث سیستانی، جلد سوم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، قم.

۳۹. النوری الطبری، میرزا حسین (۱۹۹۱): مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، جلد یازدهم، مؤسسه آل البيت لإحیا التراث، بیروت.
۴۰. وارثی، حمیدرضا و رسول حیدری (۱۳۸۹): «نقش گردشگری اسلامی در همگرایی کشورهای اسلام»، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان.
۴۱. وای. گی، چاک (۱۳۸۸): جهانگردی در چشم انداز جامع، ترجمه علی پارسائیان و سید محمداعرابی، انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی چاپ ششم، تهران.
۴۲. الهندی، المتقی بن حسام الدین (۱۹۸۹): کنز العمال، جلد ششم، مؤسسه الرساله، بیروت.
43. Baedcharoen., I. (2000): Impact of Religions Tourism in Thiland, Athesis Submitted for the degree of Master of Tourism, At the Univ of Otago, New zealand.
44. Dale., C, and N. Robinson. (2001): The Theming of Tourism Education:A three-domain Approach, International Journal of contemporary Hospitality Management, 13, 30-34.
45. Richards., G. (2000): Tourism and the World of Culture and Heritage, Tourism Recreation Research, vol. 25, pp. 9-17.